

بررسی گفتمان عدالت اجتماعی و موانع دستیابی به آن از نظر اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران

زینب اخترى*

ابوالفضل ذوالفقاری**

چکیده

عدالت، به‌عنوان یک اصل اجتماعی، مفهومی دیرینه در نظام فکری و اجتماعی انسان به‌شمار می‌آید. دیدگاه‌های لیبرالیستی، نتولیبرالیستی، سوسیالیستی، جان راولزی، جامعه‌گرایان و اسلامی از گفتمان‌های مطرح درباره عدالت اجتماعی هستند. چگونگی برقراری عدالت اجتماعی در هر یک از این گفتمان‌ها متفاوت می‌باشد. در جامعه ما نیز - علی‌رغم گذشت چند دهه از انقلاب - عدالت اجتماعی به‌لحاظ مفهومی در میان اندیشمندان و متفکران جامعه دارای معانی متفاوتی است. در این مقاله، گفتمان‌های عدالت اجتماعی از منظر اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران؛ یعنی دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، شاهد، تربیت مدرس، بهشتی، الزهراء و خوارزمی بررسی شده است. روش پژوهش حاضر، کیفی بوده و با روش تحلیل روایت و تکنیک مصاحبه حضوری انجام و برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان (۲۰ نفر) نیز از روش گلوله برفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که گفتمان‌های راولزی و اسلامی در بین اساتید از اهمیت بیشتری برخوردارند. اینکه گفتمان عدالت اجتماعی اسلامی در کنار گفتمان عدالت راولزی آمده به دلیل برخی شباهت‌ها میان این دو گفتمان می‌باشد؛ گرچه در مبانی و محتوای مقولات مربوط به عدالت اجتماعی با هم تضادهایی نیز دارند. اساتید جامعه‌شناسی، معتقدند برای برقراری عدالت اجتماعی و رسیدن به یک نظریه جامع، نیازمند الگویی متناسب با فرهنگ و بستر اجتماعی جامعه خود هستیم.

کلیدواژه‌ها

عدالت اجتماعی، تحلیل گفتمان، تحلیل روایت، اساتید جامعه‌شناسی.

مقدمه

عدالت، به‌عنوان مهم‌ترین آرمان انسانی، نه‌تنها دغدغه امروزین بشر، بلکه از ابتدای تاریخ زندگی اجتماعی مورد توجه اندیشمندان بسیاری بوده است. وجود نابرابری در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر و تشدید شکاف‌های طبقاتی، معضلات زیادی را فراروی جوامع قرار داده است. برخی از فیلسوفان سیاسی، مفهوم عدالت را از جمله چهار ارزش عمده جوامع بشری در طول تاریخ دانسته‌اند. ارزش‌هایی که درباره مطلوبیت و ارزشمندبودن‌شان کمتر مورد پرسش قرار می‌گیرند و به سخن بهتر؛ بر سر ارزش‌های اجتماعی آن‌ها توافق عام وجود دارد (گراهام، ۱۹۸۹: ۵۳). در قرآن‌کریم نیز عدالت اجتماعی و برقراری آن، از اصلی‌ترین اهداف رسالت انبیا الهی شمرده شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان (عدل) را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند.

عدالت، از مفاهیم برساختی در علوم اجتماعی است که در هر جامعه، با توجه به شرایط فرهنگی، تاریخی و ارزشی حاکم بر آن تعریف می‌شود و دلالت‌های خاص خود را دارد. از آن‌جا که عدالت در تمامی نظام‌های سیاسی با مکاتب فکری و ارزشی مختلف به‌گونه‌ای مورد توجه بوده است، در ایران نیز عدالت و عدالت‌طلبی به‌مثابه یک آرمان مهم، جزء لاینفک گفتمان انقلاب اسلامی می‌باشد. تحقق نسبی عدالت اجتماعی به مفهوم احقاق حقوق افراد، ساماندهی منطقی میزان بهره‌مندی و دسترسی افراد از امکانات جامعه و جلوگیری از هرگونه نادیده گرفتن و زیرپا گذاردن حقوق فردی و اجتماعی اعضای جامعه، تضمین‌کننده حیاتی آرام و آرمانی برای نوع بشر است. به هر میزان که جامعه‌ای از عدالت بی‌بهره باشد، منفعت‌طلبی و فزون‌خواهی عده‌ای قلیل به قیمت استضعاف عده‌ای کثیر، آن جامعه را با مشکلات و مسائلی مانند فاصله طبقاتی مواجه می‌کند.

گفتمان‌های مختلفی در زمینه عدالت اجتماعی مطرح شده‌اند. هر یک از این گفتمان‌ها به فراخور علایق، تمایلات و توانایی‌های متفکران وابسته به خود، به تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی دست زده‌اند. هدف مشترک همه این گفتمان‌ها، برقراری عدالت اجتماعی است. اما هر کدام برای نیل به عدالت اجتماعی، شیوه‌ها و برنامه‌های متفاوتی را ارائه داده است.

موانع و مشکلاتی که در زمینه تحقق و اجرای عدالت اجتماعی در جامعه ما وجود دارد، ایجاد می‌کند که در این باره تحقیق و بررسی بیشتری به عمل آید و توجه بیشتری نسبت به این مساله صورت گیرد تا بتوان موانع تحقق اجرای عدالت اجتماعی در جامعه را از سر راه برداشت و زمینه را برای دستیابی به جامعه‌ای نسبتاً عادل فراهم آورد. اگر در میان آراء صاحب‌نظران مختلف، به عدالت اجتماعی، فقر و نابرابری پرداخته شده، نشانی از فرموله‌شدن و تثوریزه‌شدن این مساله را نمی‌توان یافت. این در حالی است که مطالعه نابرابری‌ها و قشربندی اجتماعی از اصلی‌ترین حوزه‌های مطالعاتی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود (میرسندهی، ۱۳۷۵: ۱).

در این پژوهش، گفتمان‌های عدالت اجتماعی (لیبرالیستی، نئولیبرالیستی، سوسیالیستی، جان راولزی، جامعه‌گرایان و اسلامی) از منظر اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بررسی شده است. اساتید جامعه‌شناسی به‌عنوان افرادی موثر در نظریه‌پردازی در ارائه گفتمانی نسبتاً جامع درباره عدالت اجتماعی، می‌توانند جامعه آماری مطلوبی باشند؛ البته سایر گروه‌های دیگر مثل اساتید حوزه و یا اساتید رشته‌هایی همچون اقتصاد، علوم سیاسی، فلسفه و... نیز در این حوزه صاحب‌نظر هستند، اما این پژوهش بر اساتید جامعه‌شناسی به‌عنوان جامعه آماری تکیه دارد.

بدیهی است انتظار از این پژوهش این نیست که به نظریه‌ای در باب عدالت اجتماعی نزد جامعه‌شناسان منتهی شود؛ زیرا نظریه‌پردازی در علوم انسانی و به‌ویژه جامعه‌شناسی، مستلزم سازوکارها و لوازمی است که در حال حاضر در جامعه ما وجود ندارد. بنابراین سوال مهم در این پژوهش این است که اساتید جامعه‌شناسی ما در حال حاضر چه تلقی و برداشتی از عدالت اجتماعی دارند؟ و نگاه آن‌ها به کدام یک از گفتمان‌های مطرح در حوزه عدالت اجتماعی نزدیک‌تر است؟ چرا بعد از گذشت حدود ۳۷ سال از انقلاب اسلامی، هنوز به رویکردی جامع درباره عدالت اجتماعی دست نیافته‌ایم؟ امید است با طرح چنین پژوهش‌هایی اولاً به دانش نظری موجود در زمینه عدالت اجتماعی افزوده شود و مشخص شود که شاخص‌های عدالت اجتماعی در ایران بیشتر به کدام یک از گفتمان‌های حاضر در عدالت اجتماعی نزدیک‌تر است و ثانیاً گفتمان عدالت و عدالت‌طلبی بتواند یک گفتمان همیشه مطرح در عرصه دانشگاهی در میان

اساتید و دانشجویان جامعه‌شناسی باشد و بالاخره نتایج این تحقیقات در برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته تا به رفع نابرابری و تبعیض در جامعه کمک نماید.

چارچوب تحقیق

عدالت، از مانوس‌ترین و پیچیده‌ترین واژه‌هایی است که به رغم باور به ضرورت وجود آن، همواره مورد اختلاف مفهومی و مصداقی در طول تاریخ بوده است و هیچ‌گاه اجماعی در باره این مفهوم وجود نداشته و هر یک از اندیشمندان به شیوه متفاوتی سعی در تبیین و تشریح آن داشته‌اند. از عدالت اجتماعی نیز تعریف واحدی وجود ندارد. با این وجود، هیچ کس نسبت به اصالت و حقانیت عدالت اجتماعی تردیدی ندارد و دستیابی به آن، از اساسی‌ترین اصول نظام‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید. تعاریف بسیار متنوعی از عدالت در فرهنگ‌های جهان وجود دارد. هسته مشترک تمام این تعاریف، مفهوم انصاف است که معنای آن نیز نه تنها در میان افراد بلکه در میان فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و حوزه‌های تاریخی نیز متفاوت می‌باشد. در دایرة‌المعارف علوم اجتماعی، واژه عدالت بیشتر به دو مفهوم زیر به کار برده شده است:

الف) دادن حق هر انسانی به او. ب) جبران خطا؛ خواه از طریق جبران زیان کسی که قربانی خطای دیگری شده و خواه از راه مجازات خطاکننده.

عدالت در اینجا احترام‌گذاردن به هرگونه قاعده‌ای است که مقرر می‌دارد آدمیان چگونه باید در برابر رفتار هم رفتار کنند، به عبارت دیگر، احترام‌گذاردن به حقوق و وظایف یکدیگر (گولد، کولب، ۱۳۷۴: ۵۸). به‌طور کلی عدالت به دو نوع کیفی یا حقوقی و توزیعی یا اجتماعی تقسیم می‌گردد:

۱- عدالت کیفی

این نوع عدالت، رعایت عدل و انصاف در تعیین پاداش‌ها و کیفرهاست. از این‌رو، مجازاتی را می‌توان عادلانه دانست که اولاً قانونی باشد، ثانیاً به‌لحاظ کمی و کیفی با جرم ارتكابی تناسب داشته باشد، ثالثاً در یک فرایند تصاعدی، میزان آن با تکرار جرم افزایش

یابد. از آنجا که بحث ما در مورد عدالت اجتماعی است به همین بیان مختصر از این نوع عدالت بسنده می‌کنیم.

۲ - عدالت اجتماعی

عدالت توزیعی یا اجتماعی، اجرای اصول عدالت در توزیع کالاها و منافع اجتماعی است. منظور از نظریه عدالت توزیعی، تبیین، تنظیم و توجیه اصول حاکم بر تعیین توزیع عادلانه منافع و مسئولیت‌های اجتماعی از جمله حقوق مدنی و سیاسی مانند حق رای، حق محاکمه منصفانه و حق آزادی بیان است. البته می‌تواند به یک معنای دیگر، صرفاً در حوزه امور مادی مانند توزیع مواد غذایی، مراقبت‌های بهداشتی و تهیه سرپناه و مسائلی از قبیل درآمد و ثروت نیز مطرح شود (بریان‌باری، ۱۹۸۹: ۱۴۴). آنچه که در عدالت توزیعی مطرح می‌باشد این است که حکومت‌ها و مدیران دولتی در تقسیم امکانات و مزایا، خیرات سیاسی و اقتصادی میان شهروندان از چه ملاکی پیروی نمایند. در فرهنگ علوم سیاسی برای واژه عدالت اجتماعی (توزیعی) آمده است:

الف) کاربرد مفهوم عدالت توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است.

ب) عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر، هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری، ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار باشد. هم‌چنین آمده است: «منظور از عدالت توزیعی، تقسیم مناسب احترامات، پاداش‌ها و مزایای دیگر اجتماعی افراد بر مبنای شایستگی است» (خان‌افضلی، ۱۳۸۶: ۳۵).

در کشور ما پیرامون این موضوع، یعنی؛ بررسی گفتمان غالب درباره مساله عدالت اجتماعی در بین اساتید جامعه‌شناسی، تا آنجا که پژوهشگر مطلع است، کاری صورت نگرفته است. لازم به ذکر است، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی (زمانی، ۱۳۹۲) نوع رابطه دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شاهد مورد بررسی قرار گرفته است که در آنجا اکثر دانشجویان، نگرش راولزی به عدالت اجتماعی داشتند. البته این پژوهش فقط به سه گفتمان

(لیبرالیستی، سوسیالیستی و راولزی) پرداخته است. در حالی که مقاله حاضر علاوه بر این‌ها، سه گفت‌مان نئولیبرالیستی، جامعه‌گرایان و اسلامی را نیز مورد بررسی قرار داده است. هم‌چنین علاوه بر این، تحقیق "عوامل موثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری)^۱ هم که در شهر مشهد انجام گرفته بود، گویای این نکته است که مردم جامعه به یک اندازه به اصل شایستگی و نیاز اهمیت می‌دهند. یعنی، در بحث از عدالت اجتماعی، نگاه جان راولزی را در نظر دارند. لکن آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های قبلی انجام‌شده درباره عدالت اجتماعی متمایز می‌کند، پی‌بردن به نگاه اساتید جامعه‌شناسی نسبت به عدالت اجتماعی است.

در زمینه عدالت اجتماعی چند رویکرد و یا گفت‌مان عمده مطرح است. با توجه به نظریه راسینسکی، انواع نگرش به عدالت اجتماعی در مجموع به سه نگرش کلی سوسیالیستی، لیبرالیستی و راولزی (ترکیبی) تقسیم می‌شوند (راسینسکی^۲ به نقل از حسن زمانی، ۱۳۹۲: ۶). در این پژوهش علاوه بر این‌ها، سه گفت‌مان دیگر یعنی نئولیبرالیستی، جامعه‌گرایان و اسلامی نیز مطرح شده است. در ادامه شرح مختصر این شش گفت‌مان ارائه می‌گردد.

۱. گفت‌مان لیبرالیستی در مورد عدالت اجتماعی

از نگاه لیبرال‌های کلاسیک و آزادی‌خواهان معاصر، آزادی، ارزش بنیادین و محور اصلی جامعه مطلوب را تشکیل می‌دهد. از این رو، امانوئل کانت، اصول عدالت خویش را بر محور به حداکثر رساندن آزادی‌های مدنی و سیاسی استوار می‌کند و معتقد است، زمانی جامعه به سامان اجتماعی معقول و مطلوب دست می‌یابد که نه تنها آزادی‌های مدنی و سیاسی افراد آن محترم شمرده شود، بلکه قوانین اساسی جامعه به گونه‌ای ترسیم شود که این آزادی‌های بیرونی به حداکثر برسد. لیبرالیست‌ها معتقد به برابری هستند، اما برخلاف سوسیالیست‌ها که برابری را در عرصه توزیع منابع کمیاب و با توجه به نیاز افراد در نظر می‌گیرند، به برابری فرصت‌ها اعتقاد دارند. رابرت نوزیک^۳ نیز در جایگاه مدافع جدی

۱. میرسندهی (۱۳۷۵). پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس.

2. Rasinski, K.A

3. Robert Nozick

اندیشه سنتی لیبرالیسم و آزادی خواهی، نظریه عدالت خویش را بر اساس تاکید بر ارزش نخستین بودن آزادی های فردی به ویژه در حوزه اقتصاد و بازار آزاد پی می نهد (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۹۳). این گفتمان، خود به دو خرده گفتمان لیبرتارین و اگالیتارین تقسیم می شود. هم چنین، آزادی، دال مرکزی این گفتمان می باشد.

۲ - گفتمان نئولیبرالیستی در مورد عدالت اجتماعی

در اواخر قرن بیستم، با افول دولت های رفاهی مبتنی بر سیاست های لیبرالیست اقتصادی و ظهور ناسازگاری های لیبرالیست با دموکراسی، گفتمان نئولیبرالیست مطرح شد. استقبال گسترده از نئولیبرالیست در جهان؛ نشان دهنده راه و رسمی است که در اواخر دوران جنگ سرد برای اضافه کردن پیشنهادهایی نظیر «نئو» به مکتب های بسیار معروف سیاسی ابداع شد. این روند، حکایت از آن داشت که نظام های ایدئولوژیکی و پارادایم های تاریخی کهنه در قالب های جدیدی قرار داده می شوند تا با جهان جدید سازگار باشند. نئولیبرالیست، گفتمانی است که به تبیین مدرن عقل سلیم اقتصادی مبدل شده است. این گفتمان بر فرض های رشد و ثبات اقتصادی، معاملات مالی و رفتار انسانی قرار دارد. نئولیبرالیست، مبتنی بر این شیوه تفکر است که بازار، نهاد اصلی و مرکزی جوامع سرمایه داری و مدرن است و سیاست های داخلی و بین المللی هر دو باید شرایطی را ایجاد کنند که بازارها بتوانند خوب کار کنند. نئولیبرال ها معتقدند که اصول لیبرالیست از سرمایه داری انفکاک نمی پذیرد و اقتصاد بازار آزاد لازمه آزادی است (هاروی، ۱۳۸۶: ۱۰-۱۱). از چهره های معروف این گرایش، «فریدریش فون هایک»، فیلسوف اتریشی و «رابرت نوزیک»^۲ اقتصاددان آمریکایی هستند. در این گفتمان نیز آزادی، دال مرکزی می باشد.

۳ - گفتمان سوسیالیستی در مورد عدالت اجتماعی

از سوی دیگر برای سوسیالیست ها به طور معمول عنصر برابری و به ویژه مسئله نیاز، ارزشی بنیادین دارد. کسانی که در اجتماع، اولویت ها را بر حسب مقوله نیاز طبقه بندی

1 Friedrich August Von Hayek

2 Robert Nozick

می‌کنند و برآنند که ساختار اجتماع باید به گونه‌ای تدارک دیده شود که نیازهای اساسی آحاد جامعه به بهترین وجه تامین شود، می‌کوشند تا نیاز را به صورت یک ارزش نهایی و مبنای اخلاقی برای سیاست و اداره جامعه مطرح کنند. این رویکرد، مقوله رفع نیاز را اصلی‌ترین کارکرد دولت معرفی می‌کند و حتی قلمرو و حیطة اختیارات دولت را با نظریه نیازها پیوند می‌دهد. ارزش نهایی بودن نیاز، به معنای عدم اهمیت و عدم نقش‌آفرینی مقولاتی نظیر: آزادی فردی، سزاواری و استحقاق، ارزش اخلاقی به صورت مبنای معیار توزیع عادلانه است؛ برای مثال، جرج و ویلدینگ در تاکید بر اهمیت نیاز به عنوان مبنای توزیع عادلانه چنین می‌نگارند: اصل بنیادین سیاست اجتماعی رادیکال آن است که منابع چه در زمینه بهداشت، آموزش، مسکن یا درآمد باید بر اساس نیاز توزیع شود (واعظی، ۱۳۸۳: ۱۹۴). برابری، دال مرکزی گفتمان سوسیالیسم می‌باشد.

۴ - گفتمان راولزی در مورد عدالت اجتماعی

نظریه عدالت راولز^۱ که شاخص‌ترین نظریه عدالت اجتماعی در دهه‌های اخیر است، بر توافق قراردادی به صورت پایه و اساس تشخیص اصول عدالت تکیه می‌کند. راولز، هیچ تلقی و تصور پیشینی از عدالت عرضه نمی‌دارد و محتوای اصول عدالت را به توافق حاصل شده میان افراد در وضع نخستین^۲ (تشخیص‌دهنده اصول عدالت، افرادی هستند که دارای وضعیت نخستین باشند؛ یعنی اهداف، غایات و تمایلات فردی خویش را در نظر نمی‌گیرند و عاری از کلیه اموری که داوری آن‌ها را مخدوش کند، تصور شده‌اند) موکول می‌کند. راولز، در مقدمه کتاب نظریه عدالت خود تصریح می‌کند [که] اندیشه او ارتباط محکمی با سنت قرارداد اجتماعی دارد که به وسیله متفکرانی چون لاک، روسو و کانت پی گرفته شده است. راولز، درصدد ارائه مدلی کامل‌تر و پیشرفته از این رویکرد است که از مشکلات تقریرهای قبلی مصون مانده باشد (همان: ۱۹۴-۱۹۵). نظریه عدالت راولز از سه اصل اساسی تشکیل شده است: اصل آزادی برابر، اصل برابری منصفانه فرصت‌ها و اصل تفاوت (راولز، ۱۳۸۷: ۸۳). در گفتمان راولزی، انصاف، دال مرکزی می‌باشد.

1. Rawls, John

2. Original Position

۵ - گفتمان جامعه‌گرایان در مورد عدالت اجتماعی

برای بسیاری از جامعه‌گرایان^۱ مقوله خیر عمومی، حکم ارزش‌نهایی و معیار اصلی عدالت را دارد. جامعه‌گرایی، به‌عنوان یک جریان متاخر که در اندیشه‌های چهار نفر: مایکل سندل^۲، مک آیتنیر^۳، مایکل والزر^۴ و چارلز تیلور^۵ دیده می‌شود، فردگرایی لیبرالی را از جمله مهم‌ترین محورهای اصلی حملات انتقادی خود می‌داند که در بین آنها، سندل و مک آیتنیر نقش عمده و محوری را دارند و اتفاقاً محور نگاه‌های انتقادی خود را متوجه جان راولز متأخرترین و عمیق‌ترین فیلسوف لیبرال قرن بیستم کرده‌اند. از نظر جامعه‌گرایان، به‌طور اساسی امری که فرد را عاری از غایات، ارزش‌ها و اهداف خویش در نظر گرفته باشد (یعنی همان وضعیت نخستین راولز) ناممکن است. علاوه بر این، جامعه‌گرایان همان‌طور که از عنوان آن بر می‌آید برخلاف لیبرالیست‌ها اصالت را به جامعه می‌دهند و نه فرد. این گفتمان، مخالف وجود هرگونه فاصله طبقاتی است و معتقد است ثروت، قدرت و افتخار نباید در دست یک عده متمرکز شود (جکسون؛ سورنسون، ۱۳۸۵: ۱۴۵-۱۴۶). محور بحث و دال مرکزی در این گفتمان، خیرات اجتماعی است. درک و تفسیر از خیرات اجتماعی بستگی به مردم هر جامعه دارد. بر همین اساس، دامنه این تفاسیر نامحدود شده و این نگرش را به سمت دیدگاه‌های تکثرگرایانه و نسبی سوق می‌دهد (والزر، ۱۳۸۹: ۷۲).

۶ - گفتمان اسلامی در مورد عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی به‌مثابه رعایت تناسب‌ها، استحقاق‌ها و شایستگی‌ها، تلقی و برداشت اکثر اندیشمندان مسلمان می‌باشد. این افراد معتقدند که عدالت اجتماعی به معنی «اعطا کل ذی حق حقه» می‌باشد؛ یعنی متناسب با استعدادها، توانایی‌ها و شایستگی‌ها، فرصت‌ها و امکانات باید توزیع گردد. استاد مطهری در کتاب سیری در سیره ائمه اطهار، پس از نقل

1. Communitarianism
2. Michael J. Sandel
3. Mac Intyre
4. Michael Walzer
5. Charles Taylor

حدیثی از امیرالمؤمنین علی 7 که حضرت در آن «عدل» را بر «جود» در اجتماع ترجیح داده، به تمثیل زیبایی برای اهمیت عدالت در اجتماع اشاره می‌کند: عدل در اجتماع، به منزله پایه‌های ساختمان است و احسان از نظر اجتماع به منزله رنگ آمیزی و نقاشی و زینت ساختمان است. در مجموع، عدالت به معنای رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی‌حق، حق او را، می‌باشد. معنی عدالت این نیست که همه مردم از هر نظر در یک حد و یک مرتبه و یک درجه باشند. جامعه خودبه‌خود مقامات و درجات دارد و در این جهت مثل پیکر است. وقتی که مقامات و درجات دارد، باید تقسیم‌بندی و درجه‌بندی شود. راه منحصر، آزاد گذاشتن افراد و زمینه مسابقه فراهم کردن است. همین که پای مسابقه به میان آمد، خودبه‌خود به موجب اینکه استعدادها در همه یکسان نیست و به موجب اینکه مقدار فعالیت‌ها و کوشش‌ها یکسان نیست، اختلاف و تفاوت به میان می‌آید. یکی جلوتر می‌رود و یکی عقب‌تر. مقتضای عدالت این است که تفاوت‌هایی که خواه‌ناخواه در اجتماع هست، تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد (مطهری، ۱۳۹۱: ۷۹). مهم‌ترین چیزی که جامعه انسانی را استوار و برقرار می‌دارد، عدالت است. عدل به معنای قراردادن شی در جایگاه شایسته‌اش می‌باشد و معیار این جایگاه را عقل، شرع و عرف جامعه تعیین می‌کنند. عدالت اجتماعی آن است که انسان با هر یک از افراد جامعه، چنان‌که شایسته اوست، رفتار کند و او را در جایگاه خودش قرار دهد و نتیجه آن نیز پاداش و مجازات مناسب و برقراری انصاف و مساوات در برابر قانون است (همو، ۱۳۷۷: ۱۲۴). این پژوهش درباره گفتمان اسلامی عدالت اجتماعی بر آراء استاد مطهری تمرکز یافته است. «اعطای کل ذی حق حقه» دال مرکزی گفتمان اسلامی می‌باشد.

این شش گفتمان دارای نقاط اشتراک و افتراق زیادی با یکدیگر هستند. در برخی اصول محوری و یا فلسفه اخلاقی همپوشانی‌های زیادی میان گفتمان‌ها دیده می‌شود. برای مثال گفتمان‌های لیبرالیستی و نئولیبرالیستی بر فردگرایی، گفتمان‌های سوسیالیستی و جامعه‌گرایان بر جمع‌گرایی و گفتمان‌های راولزی و اسلامی بر هر دو عنصر فردگرایی - جمع‌گرایی تاکید دارند. این تمایزات در جدول گفتمانی که در ادامه آمده به منظور مقایسه و تحلیل بهتر ارائه گردیده است. این جدول گفتمانی از عناصر و مفاهیم مهم این گفتمان‌ها تشکیل شده است. تکنیک‌های یافتن مفاهیم این جدول با رجوع به ادبیات

مربوط به هر گفتمان بوده است. تکرار مفاهیم، تصریح یک مفهوم و تحلیل کیفی مضمونی از تکنیک‌های یافتن مفاهیم این جدول گفتمانی بوده است.

جدول شماره ۱: جدول گفتمانی

اسلامی	جامعه‌گرایان	راولزی	سوسیالیستی	نئو لیبرالیستی	لیبرالیستی	مفاهیم و گفتمان
مخالف وجود هر گونه تضاد طبقاتی	مخالف وجود فاصله طبقاتی	فاصله طبقاتی در حدی که برای پیشرفت ضروری باشد	مخالف وجود فاصله طبقاتی	مقصدانستن فقرا برای فقرشان	وجود فاصله طبقاتی برای پیشرفت	فاصله طبقاتی
آزادی و برابری	برابری	آزادی و برابری	برابری	آزادی	آزادی	آزادی یا عدالت
اعطای هر حقی به هر ذی حقی	توزیع امکانات بر اساس اصل خیرات اجتماعی	توجه به تلاش، استعداد و میزان خدمت در برخورداری از امکانات	عدم توجه به استعداد افراد در برخورداری از امکانات	میزان قرارداد استعدادهای برخورداری از امکانات	میزان قرارداد استعدادهای برخورداری از امکانات	نیاز/ استحقاق
عملکرد معتدل دولت متناسب با شرایط زمان	دخالت گسترده دولت	محدود بودن دخالت دولت در حد کاهش شکاف طبقاتی	دخالت دولت در همه امور	کاهش نقش دولت در اقتصاد	عدم دخالت دولت در اقتصاد	دخالت دولت
توجه به طبقات پایین	توجه به طبقات پایین	توجه به طبقات پایین	توجه به طبقات پایین	عدم توجه به طبقات محروم	عدم توجه به طبقات محروم	طبقات محروم

اسلامی	جامعه‌گرایان	راولزی	سوسیالیستی	نئولیبرالیستی	لیبرالیستی	مفاهیم و گفتمان
فردگرایی و جمع‌گرایی	جمع‌گرایی	فردگرایی و جمع‌گرایی	جمع‌گرایی	فردگرایی	فردگرایی	هستی‌شناختی
وظیفه‌گرایی فضلیت‌محور	فضلیت‌محور	وظیفه‌گرایی	وظیفه‌گرایی	فایده‌گرایی	فایده‌گرایی	فلسفه اخلاقی
خصوصی و عمومی	عمومی (خیرات اجتماعی)	رسیدن به عدالت توزیعی بدون الغای مالکیت خصوصی	عمومی	خصوصی	خصوصی	مالکیت
برخورداری برابر از امکانات تحصیلی	توزیع یکسان مواهب تحصیلی	برخورداری نابرابر از امکانات در عین رعایت انصاف	برخورداری برابر از امکانات تحصیلی	برخورداری نابرابر از امکانات تحصیل	برخورداری نابرابر از امکانات تحصیل	امکانات تحصیلی
برخورداری برابر از امکانات تفریحی	برخورداری برابر از امکانات تفریحی	برخورداری افراد بر اساس تلاششان	برخورداری برابر از امکانات تفریحی	برخورداری نابرابر از امکانات تفریحی	برخورداری نابرابر از امکانات تفریحی	امکانات تفریحی
برخورداری برابر از امکانات بهداشتی	برخورداری برابر از امکانات بهداشتی	برخورداری برخی افراد از امکانات ویژه	برخورداری برابر از امکانات بهداشتی	برخورداری نابرابر از امکانات بهداشتی	برخورداری نابرابر از امکانات بهداشتی	امکانات بهداشتی

اسلامی	جامعه‌گرایان	راولزی	سوسیالیستی	نئولیبرالیستی	لیبرالیستی	مفاهیم و گفت‌وگو
اختلاف درآمد منجر به شکاف طبقاتی نشود	با توزیع درآمدها برای افراد کم‌درآمد	اختلاف درآمد تا حدی که برای پیشرفت جامعه نیاز باشد	بازتوزیع درآمدها برای افراد کم‌درآمد	ضرورت وجود اختلاف درآمد	ضرورت وجود اختلاف درآمد	اختلاف درآمد
ملاحظه طبقات پایین. نظام مالیاتی عام و خاص: خمس و زکات	ملاحظه طبقات پایین	سیستم مالیاتی تصاعدی	ملاحظه طبقات پایین	کاهش نرخ مالیات برای ترغیب جریان سرمایه‌گذاری	مالیات پایین برای پردرآمدها	مالیات
رقابت اقتصادی آزاد برای تشویق به کار و تلاش	رقابت اقتصادی آزاد	شرایط برابر رقابت با یکسری محدودیت	عدم ضرورت رقابت اقتصادی آزاد	آزادی کارآفرینانه و مهارت فردی	فرصت برابر رقابت اقتصادی	رقابت اقتصادی
عدم ضرورت تقسیم مساوی درآمدهای دولتی	تقسیم مساوی درآمدهای دولتی	عدم ضرورت تقسیم مساوی درآمدها	تقسیم مساوی درآمدهای دولتی	عدم ضرورت تقسیم مساوی درآمدها	عدم ضرورت تقسیم مساوی درآمدها	تقسیم درآمدهای دولتی
توزیع عادلانه ثروت و گرفتن حق طبقه محروم	عدم تمرکز ثروت و قدرت در دست عده‌ای	ثروت‌اندوزی محدود افراد تا به زیان طبقات محروم نشود	مخالف ثروت‌اندوزی	ذی‌نفعان نتولیرالیسم تنها اقلیتی از جامعه هستند	امکان ثروت‌اندوزی افراد	ثروت‌اندوزی

اسلامی	جامعه‌گرایان	راولزی	سوسیالیستی	نئولیبرالیستی	لیبرالیستی	مفاهیم و گفتمان
حقوق طبیعی برابر و تفاوت در حقوق اکتسابی متناسب با کار و انجام وظایف	توزیع عادلانه قدرت سیاسی به معنای توزیع عادلانه دیگر مواهب نیست	برابری در آزادی‌های سیاسی اجتماعی با توجه به اصل نخستین	برابری در همه حقوق سیاسی اجتماعی	توجه بیش از حد به فعالیت‌های اقتصادی و کاهش حقوق	تقدم با حقوق اساسی و آزادی‌های سیاسی اجتماعی	برابری حقوقی
حق بر خیر	خیر بر حق	حق بر خیر	خیر بر حق	حق بر خیر	حق بر خیر	تقدم خیر یا حق

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر، کیفی می‌باشد. روش‌های کیفی بیشتر با تولید توصیف‌های استدلالی و کشف معانی و تفسیرهای کنشگران اجتماعی سر و کار دارند و شامل قوم‌نگاری، مطالعات موردی، مصاحبه‌های ژرف و مشاهده مشارکتی‌اند. پژوهش کیفی، ادعای توصیف زیست جهان‌ها، از نظر مردم شرکت‌کننده در آن را دارد (فلیک، ۱۳۹۰: ۳).

به‌طور کلی، در این پژوهش دو روش تحلیلی یعنی تحلیل گفتمان و تحلیل روایت^۱ مورد استفاده قرار گرفته است. به دلیل نوع خاص این پژوهش، قادر به التزام کلی به تمامی عناصر نظری لاکلاو و موفه در تحلیل گفتمان نبودیم. در اینجا به مفاهیم قدرت گفتمان، رابطه گفتمان با هژمونی، ایدئولوژی و... پرداخته نشده؛ و فقط به مفاهیم دال

1. Narrative Analysis

مرکزی و دال‌های شناور در شش گفتمان عمده درباره عدالت اجتماعی اشاره شده است. بنابراین، تحلیل گفتمان در این مقاله به منظور یافتن دال‌های مرکزی و شناور مطرح شده است. به بیانی دیگر، از تحلیل گفتمان به عنوان یک خرده روش استفاده شده است. در کنار این روش، از تحلیل روایت به منظور تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها و بررسی گفتمان غالب درباره عدالت اجتماعی بهره بردیم. یک روایت، سکانس‌هایی از یک ماجرا یا مصاحبه‌هایی را در خود دارد که برای راوی یا شنونده‌اش اهمیت دارد. آنچه روایت‌ها را با اهمیت کرده این است که ما در علوم اجتماعی قادر به بازآفرینی رخداد مورد نظر نیستیم و چاره‌ای جز پرداختن به همین بازنمایی‌ها نخواهیم داشت. بحث توالی بین رخدادها، زمان‌مندی، آغاز و میانه و پایان داشتن، روابط علی موردنظر در مصاحبه‌ها از مشخصات این روش پژوهشی است. اصطلاح روایی از فعل «روایت کردن» یا «بیان کردن با جزئیات» می‌آید. روایت، به عنوان گونه متفاوت تحقیق کیفی، به طور خاص بر مطالعه فرد خاص، مصاحبه، گزارش تجربیات فردی و نوع نگاه به مقوله‌ای خاص توجه دارد (کرسول، ۱۳۹۳: ۵۴). روایت‌ها با اتصال گذشته به حال و نیز پیوند عاملیت و ساختار، پاسخی به شکاف عاملیت و ساختار و شیوه‌ای برای وارد ساختن زمان‌بندی و ارائه تبیین غیرخطی و چندعاملی به حساب می‌آیند و به امتزاج بیشتر علوم اجتماعی و تاریخ می‌انجامند. به همان سان، روایت‌ها، امکان سهیم کردن تجربه خود با دیگران را به عنوان یک نتیجه و یک فرایند فراهم می‌سازد؛ به گونه‌ای که هم مخاطبین این تجربه و هم راوی، امکان بازسازی تجارب و رسیدن به فهمی مشترک از آن را پیدا می‌کنند. تحلیل ساختاری روایت‌ها بر پایه این منطق استوار است که در جامعه، روایت‌های مختلفی جاری است که با پیوند دادن روایت‌های نمونه مورد مطالعه با آن‌ها می‌توان نظم و قواعد کلی را در خصوص عرصه‌هایی از حیات اجتماعی شناسایی و توصیف کرد و به ساختارهای ذهنی جمعی رسید. روایت‌ها، برای مطالعه نقاط عطف در ساختارهای گفتمانی و مصاحبه‌های عمیق ابزار مناسبی به شمار می‌آیند (ذکایی، ۱۳۸۷: ۹۲).

پیش‌فرض‌های اصلی در تحقیقات روایی

۱ - نوع بشر تجربه‌های خود از جهان را در قالب روایت‌ها سازماندهی می‌کنند.

۲ - روایت‌ها و مصاحبه‌ها به تجارب گذشته، حال فرد، ارزش‌های فرد، زمان و مکان گفته‌شدن وابسته‌اند و به‌طور خلاصه در ارتباط با بافت اجتماعی‌شان مطرح و تحلیل می‌شوند.

۳ - بیشتر پژوهشگران مدعی هستند در روایت‌ها چندصدایی وجود دارد. برخلاف روش‌های کمی که فقط بازتاب بخشی از واقعیت هستند (توریل^۱، ۲۰۰۹: ۳۰۱).

علوم اجتماعی برای مطالعه مردم و جامعه ناچار به تحقیق و تحلیل در این روایت‌ها است؛ هم از آن جهت که یک روایت، محصولی از شرایط فردی و اجتماعی است و هم از این جهت که روایت‌ها بر شرایط فرد و جامعه تاثیر می‌گذارند.

جامعه‌آماری در این پژوهش، اساتید جامعه‌شناسی دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران می‌باشند. بدین ترتیب، اساتید جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برابر با ۲۲ نفر، دانشگاه علامه طباطبایی ۱۶ نفر، دانشگاه الزهرا ۱۲ نفر، دانشگاه خوارزمی ۱۰ نفر، دانشگاه شهید بهشتی ۹ نفر، دانشگاه شاهد ۳ نفر و دانشگاه تربیت مدرس ۴ نفر می‌باشند. هم‌چنین با یک نفر از اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه امام حسین ۷ نفر نیز مصاحبه صورت گرفته است. از کل ۷۷ نفر از اساتید جامعه‌شناسی، ۵۷ نفر مرد و ۲۰ نفر زن می‌باشند. هم‌چنین از کتب و مقالات صاحب نظران دیگر نیز، در این باره استفاده شده است. مطابق با روش گلوله برفی^۲ با مراجعه به هریک از افراد از آن‌ها پرسیده شد که به نظرشان کدام یک از اساتید دیگر، می‌توانند در زمینه عدالت اجتماعی به ما کمک کنند. از آنجا که روش تحقیق حاضر از نوع کیفی می‌باشد، بدیهی است هر زمان از نظر پاسخ‌ها به اشباع رسیدیم، دیگر مصاحبه‌ها ادامه

1. Torill

2. Snow Ball

نیافتند. تعداد افراد مصاحبه‌شده در جدول زیر ارائه گردیده است:

جدول شماره ۲: تعداد نمونه‌های انتخاب‌شده به تفکیک دانشگاه و جنسیت

تعداد نمونه		نام دانشگاه
زن	مرد	
۱	۲	تهران
۱	۳	علامه طباطبایی
-	۴	شاهد
-	۳	شهید بهشتی
۱	۲	الزهرا
-	۱	تربیت مدرس
-	۱	خوارزمی
-	۱	امام حسین ۷
۳	۱۷	
تعداد کل نمونه‌ها: ۲۰		

روش معمول در گردآوری داده‌های لازم برای تحلیل روایت، مصاحبه می‌باشد. برای این کار، دو پرسش‌نامه تهیه شده است. یک پرسش‌نامه بسته (برای اینکه وقت اساتید بیش از حد گرفته نشود و احتمال همکاری اساتید بالا رود، این پرسش‌نامه به اساتید داده شد و آن‌ها پاسخ‌های مطلوب خود را علامت زدند) و یک پرسش‌نامه نیمه ساخت یافته با سوالات باز طراحی شده بود. برای سوالاتی که در این پرسش‌نامه‌ها مطرح می‌شود، پاسخ‌هایی از قبل در نظر گرفته نشده است و لذا دست پاسخ‌گویان و پرسش‌گران باز است، که هر چه می‌خواهند درباره آن سوال بگویند و بنویسند و به همین دلیل نیز این گونه سوالات را سوالات باز^۱ می‌نامند. مزیت این سوالات در این است که پاسخ‌گو در

1. Open Question

پاسخ گفتن محدود نیست و می‌تواند به اصطلاح درد دل کند و پرسشگر هم می‌تواند درباره کیفیت و عمق مساله پرسش نماید (رفیع پور: ۱۳۸۹:۳۰۵).

یافته‌های تحقیق

هنگام استخراج سوالات، هدف آن است که جواب‌های پاسخ‌گویان را طوری طبقه‌بندی کنیم که تا حد زیادی از جنبه فردی بیرون آمده و جنبه گروهی و مشترک پیدا کند و هر طبقه از جواب‌ها بیانگر مسائل عدده زیادی از پاسخ‌گویان باشد؛ زیرا هدف از تحقیقات جامعه‌شناسی نتیجه‌گیری گروهی است (همان: ۳۹۳-۳۹۴). در این تحقیق، از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با تأکید بر رویکردی اکتشافی^۱ استفاده شده است. هم‌چنین برای تحلیل پاسخ‌ها از ماتریس و جدول گفتمانی که از پیش تدوین شد نیز استفاده گردید. تحقیق روایی یا روش روایت‌گونه در فهم برخی ملاحظه‌ها می‌تواند موفق‌تر از ابزارهای کمی عمل کند. به‌طور کلی روایت‌شناسی در سال‌های اخیر در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی بسیار مطرح بوده است. در این روش، تأکید هم بر محتوای مطلب و هم بر شکل گفتن مطلب است؛ یعنی ما از تفسیر روایت بحث می‌کنیم و تفسیر هم جزئی از روایت محسوب می‌شود. همان‌طور که ما در جمله، از یک تسلسل و سلسله حرف می‌زنیم، در روایت و مصاحبه نیز این سلسله‌ها خود را به صورت برجسته‌ای نشان می‌دهند.

بدین‌منظور، در ابتدا متن مصاحبه‌ها از روی صدای ضبط‌شده از جلسه مصاحبه پیاده‌سازی شد. تمام مصاحبه‌ها حداقل دو بار به دقت مورد مطالعه قرار گرفتند. سپس تک‌تک جمله‌ها از متن جداسازی شد. روایت‌ها، وابسته به تجارب گذشته و حال، دانش و ارزش‌های فرد مصاحبه‌شونده هستند. به همین دلیل، روایت‌های متفاوتی در پاسخ‌های اساتید به چشم می‌خورد. در این پژوهش روایت‌ها به شکل یک گفتمان دیده شدند تا عناصر آن در ارتباط با هم قرار گیرند و در یک موضوع خاص انسجام داشته باشند. از ماتریس گفتمانی نیز برای تسهیل در طبقه‌بندی پاسخ‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها استفاده شد. به این ترتیب، مشخص شد جمله A در پاسخ به سوالی درباره تقدم داشتن با خیر یا حق در

1. Exploratory

کدام خانه جدول قرار می‌گیرد. برای مثال، اگر در خانه «تقدم حق بر خیر» قرار گیرد، یعنی فرد پاسخ‌گو موافق با گفتمان‌های لیبرالیستی، نئولیبرالیستی، راولزی و اسلامی می‌باشد و اگر در خانه «تقدم خیر بر حق» قرار گیرد، موافق گفتمان‌های سوسیالیستی و جامعه‌گرایی می‌باشد و یا اگر پاسخ‌دهنده در بحث هستی‌شناختی هم فردگرایی و هم جمع‌گرایی را در نظر داشته باشد، نگاهش ذیل گفتمان‌های راولزی و اسلامی قرار می‌گیرد. پاسخ‌ها به همین ترتیب مورد بررسی قرار گرفتند.

پرسش‌نامه سوالات بسته، حاوی ۹ سوال بود. این سوالات، نحوه توزیع امکانات تحصیلی، تفریحی و بهداشتی، فاصله طبقاتی، نحوه دخالت دولت در اقتصاد، حد مالکیت خصوصی و میزان ثروت‌اندوزی افراد، چگونگی اخذ مالیات، اختلاف درآمد، رقابت اقتصادی و نوع نگاه به طبقات پایین و محروم جامعه را می‌سنجیدند. در نهایت نیز از اساتید پرسیده شده بود: از نظر آنها دیدگاهشان به کدام یک از گفتمان‌های مطرح‌شده درباره عدالت اجتماعی

(یعنی گفتمان‌های لیبرالیستی، نئولیبرالیستی، سوسیالیستی، جان راولزی، جامعه‌گرایان و اسلامی) نزدیک‌تر است. همان‌طور که پیشتر هم درباره ویژگی روایت‌ها اشاره شده بود، در روایت‌ها چندصدایی دیده می‌شود. در پاسخ به برخی پرسش‌ها نیز شاهد نوعی انشقاق و چندقطبی شدن بودیم. برای مثال، در بحث اختلاف درآمدها و چگونگی اخذ مالیات، گفتمان‌های اسلامی، سوسیالیستی و جامعه‌گرایی مورد نظر اساتید بود. اما در مجموع، نگاه غالب در بین اساتید ترکیبی از دو گفتمان راولزی و اسلامی بود.

علاوه بر سوالات بسته ۷، سوال باز نیز مورد پرسش قرار گرفتند. تقدم با آزادی یا عدالت، قضاوت در مورد اظهار نظر فون‌هایک، تقدم خیر یا حق، ملاک و معیار اخلاقی بودن افعال، صلاح جمع و فرد، برابری حقوقی و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی و هم‌چنین عوامل عدم دست‌یابی به یک نظریه جامع درباره عدالت اجتماعی از جمله مفاهیمی بودند که در پرسش‌نامه سوالات باز مورد پرسش قرار گرفته و با روش تحلیل روایی ارزیابی شدند. در ادامه به شرح هر یک از این سوالات اشاره می‌شود:

۱ - در سوال اول از اساتید پرسیده شده بود که در بحث از عدالت اجتماعی، تقدم را با آزادی می‌دانند یا برابری؟ از منظر اساتید، ترجیح دادن یکی بر دیگری، امری بسیار سخت

است و معتقد بودند که باید از نگاه‌های دوگانه‌گرا پرهیز کرد. به این دلیل که از نظر آن‌ها و با دید جامعه‌شناسانه، باید این تقدم را در متن و زمینه اجتماعی‌اش مورد بررسی قرار داد. یکی از اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه تهران می‌گوید: ما باید بگوییم که در کدام شرایط اجتماعی، در کدام گروه و در کدام دوره تقدم با کدام است. در این صورت با مطالعات تجربی می‌توان نشان داد که کدام‌یک بر دیگری اولویت دارد. برای مثال فرض کنید، یک وقتی در جامعه‌ای، شکاف طبقاتی و آسیب‌های اجتماعی بیداد می‌کند. در اینجا نباید از اولویت آزادی فردی نسبت به عدالت اجتماعی و یا برابری اقتصادی اجتماعی دفاع کرد، بلکه عکس آن است.

بنابراین توجه همزمان به آزادی و برابری مورد توجه بود. این نگاه طبق جدول گفتمانی ذیل گفتمان‌های راولزی و اسلامی قرار می‌گیرد.

۲- فردریش فون هایک، عدالت اجتماعی را سراب و توهمی می‌داند که تهدیدی جدی برای بزرگ‌ترین دستاورد تمدن غربی یعنی آزادی، به‌شمار می‌آید. از اساتید پرسیده شده بود که نظرشان در مورد این جمله هایک چه می‌باشد. به نظر آنها این رویکرد به‌مثابه مرزبندی کردن جامعه است، در حالی که این دو را نمی‌توان جدا از هم دانست. در واقع، این دو نقیض یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگر هستند و تحقق یکی وابسته به تحقق دیگری است. از این رو، باید یک توازن معقولی میان آنها برقرار کرد. به‌طور کلی، نگاه اساتید به این صورت بود که نظام متعادل، نظامی است که حد وسط را بگیرد؛ یعنی هم آزادی و هم عدالت را و بر همین اساس، با این جمله و دیدگاه فون هایک مخالف بودند.

۳- در سوال بعد پرسیده شد که در بحث از عدالت اجتماعی تقدم را با حق می‌دانند یا خیر؟ اساتید جامعه‌شناسی معتقد بودند، اگر بخواهیم بگوییم که عدالت اجتماعی بر اساس کدام‌یک از این‌ها تحقق پیدا می‌کند، بر اساس مفهوم حق است؛ حقی که با مفهوم تکلیف پیوند خورده است و انسان‌ها به میزانی که از تکلیف برخوردار هستند، از حق هم باید برخوردار باشند. یکی از اساتید دانشگاه شاهد بیان داشتند: جامعه‌ای عادل، جامعه‌ای است که در آن یک توازنی بین حق و تکلیف برقرار باشد و انسان به میزانی که کار و تلاش می‌کند، به حقوق خودش هم دست پیدا می‌کند.

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس نیز معتقد است در معنایی که از عدالت وجود دارد، این طور آمده است که؛ اعطای حق به هر کسی که صاحب حق بوده و یا قرارداد هر چیز در آن جایی که مستحق آن است. بنابراین، از نظر اساتید جامعه‌شناسی، عدالت مبتنی بر مفهوم حق است تا خیر.

۴ - به طور کلی، در فلسفه اخلاق برای اینکه یک فعل و عمل آدمی را مورد ارزیابی قرار دهند، سه نظریه وجود دارد: یک نظریه برای داوری یک فعل؛ به انگیزه، نیت، قصد و هدف فرد نگاه می‌کند. یعنی پیش از فعل را در نظر می‌گیرد. نیت درست باشد، آن کار درست است و نیت غلط باشد، آن کار غلط است. این نظریه، همان فضیلت‌گرایی است. نظریه دیگر به خود فعل نگاه می‌کند. خود فعل، مثل دزدی که فی‌نفسه بد است. سوای از این که نیت چه باشد. خود فعل، به طور ذاتی بد است. این نگاه، وظیفه‌گرایی می‌باشد. یک نظریه دیگر نیز نه بر اساس نیت و نه بر اساس خود فعل داوری می‌کند، بلکه به پیامدها توجه دارد. اگر دزدی، پیامد مثبتی دارد، خوب و اگر پیامد منفی دارد، بد است. لذا برخی سودگرایان و فایده‌جویان، پیامدگرا هستند. از اساتید پرسیده شد که به نظرشان ملاک اخلاقی بودن افعال، کدام یک از این سه نظریه می‌توانند باشند؟ همه اساتید معتقد به وظیفه‌گرایی بودند. وظیفه‌گرایی از نظر آنها، یک نوع روحیه دگرخواهی، احساس مسئولیت، توجه به دیگران و مسئولیت‌پذیری در جوهره‌اش نهفته است و هم‌چنین عینی‌تر و ملموس‌تر می‌باشد.

۵ - در سوال بعدی از اساتید خواسته شد تا نظر خود را نسبت به این جمله بیان کنند: «در صورت تعارض میان مصالح فرد و اجتماع؛ صلاح جمع مقدم بر مصلحت فرد است». به طور کلی، نگاه غالب این بود که در هنگام تعارض، باید منافع و مصالح جمع را در نظر گرفت اما این مصالح قاعدتاً نباید در تعارض با مصالح فردی قرار گیرند. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه امام حسین ۷ این طور مطرح کردند که: «با فرض تعارض، مصلحت جمع بایستی مقدم بر فرد باشد، اما این، نباید به یک قاعده فراگیر و تام تبدیل شود که همواره اول مصلحت عمومی را در نظر بگیریم و آن‌گاه مصالح فردی؛ جهت‌گیری کلی باید جمع این دو باشد و تا جایی که می‌شود مصالح فردی را گسترش داد. در عمل

نمی‌توان تنها یکی را در نظر گرفت اما به بهانه مصلحت جمعی نباید مصالح فردی را قربانی کرد؛ یعنی باید در بستر و متن اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد». نگاه جامعه‌شناسانه اقتضا می‌کند که این دو مفهوم در بستر جامعه مورد نظر سنجیده شود. مصالح فرد و جمع از منظر جامعه‌شناسی در هم تنیده‌اند. فرد و جامعه دو روی یک سکه‌اند و نمی‌توان خوشبختی فردی را از خوشبختی اجتماعی جدا کرد. همان‌طوری که حیات فرد از حیات جامعه جدا نیست. در جامعه‌شناسی کنونی ما کسانی مثل بوردیو و یا گیدنز در نظریه ساختاربندی (دیالکتیک ساختار و عاملیت) نیز مطرح می‌کنند که فرد و جامعه به قدری متصل به هم هستند که اصلاً تصویری غیر از این مشکل است (ریترز، ۱۳۸۹: ۶۵۸). به همان میزان هم؛ مصالح فردی و جمعی نیز به هم پیوند خورده‌اند. این نگاه ذیل گفتمان‌های راولزی و اسلامی قرار می‌گیرد. در کنار آن، سوسیالیست‌ها و جامعه‌گرایان اصالت را تنها به جمع و لیبرالیست‌ها و نئولیبرالیست‌ها اصالت را تنها به فرد می‌دهند.

۶- تلقی اساتید جامعه‌شناسی از حقوق و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی نیز مورد پرسش قرار گرفت. در زمینه حقوق و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی و در مورد اینکه همگان باید به صورت برابر از این حقوق استفاده کنند، اجماع نظر وجود داشت. اساتید معتقد بودند که در این باره می‌توان روی برابری دست گذاشت. ولی مثلاً در توزیع ثروت نمی‌توان گفت که ثروت باید به صورت برابر توزیع شود. ثروت باید بر اساس استحقاق و شایستگی و یا نیاز توزیع شود؛ ولی این حقوق؛ حقوق اساسی و اولیه هستند؛ آزادی بیان، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی باید به صورت برابر توزیع شود. اگر به صورت نابرابر توزیع شود، خلاف عدالت است. علاوه بر این، باید لوازم برقراری برابری حقوقی و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی نیز فراهم شود. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس معتقد است: ایجاد و برقراری این حقوق، لوازمی دارد. یک لازمه آن، قانون است؛ یعنی قانون باید به گونه‌ای تصویب شود که ضمن رعایت آزادی‌های فردی؛ شرایط برابری از حیث اعطای آزادی‌های فردی به همه افراد داده شود؛ یعنی قوانین طوری باشد که نسبت چالش‌برانگیزی بین آزادی و برابری ایجاد نکرده.

جدول شماره ۳: ارزیابی کلی سوالات بر اساس جدول گفتمانی

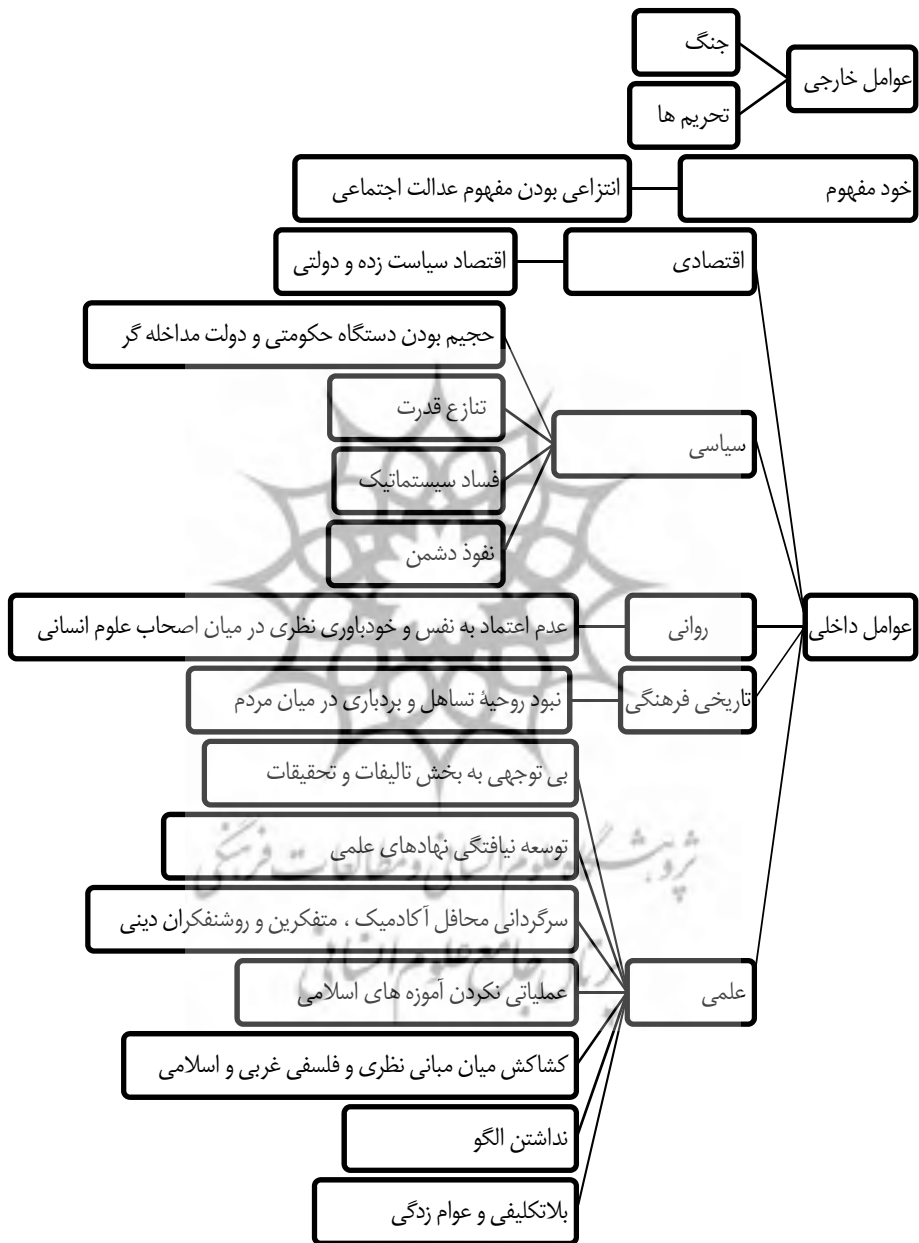
ردیف	مؤلفه‌ها	گفتمان‌ها
۱	تلقی از فاصله طبقاتی	راولزی + اسلامی
۲	تقدم آزادی یا عدالت	راولزی + اسلامی
۳	محوریت نظریه (نیاز / استحقاق)	راولزی + اسلامی
۴	محدوده دخالت دولت	راولزی + اسلامی
۵	نوع نگاه به طبقات پایین و محروم جامعه	راولزی + اسلامی
۶	هستی‌شناختی (اصالت فرد یا جمع)	راولزی + اسلامی (جمع‌گرایی و فرد‌گرایی همزمان)
۷	فلسفه اخلاقی	راولزی (وظیفه‌گرایی)
۸	مالکیت عمومی / خصوصی	راولزی + اسلامی
۹	امکانات تحصیلی	راولزی + اسلامی
۱۰	امکانات تفریحی	راولزی + اسلامی
۱۱	امکانات بهداشتی	راولزی + اسلامی
۱۲	اختلاف درآمد	اسلامی + سوسیالیستی + جامعه‌گرایی
۱۳	چگونگی اخذ مالیات	اسلامی + سوسیالیستی + جامعه‌گرایی
۱۴	رقابت اقتصادی	نئولیبرالیستی + اسلامی
۱۵	تقسیم درآمدهای دولتی	راولزی + اسلامی
۱۶	میزان ثروت‌اندوزی	راولزی + اسلامی
۱۷	برابری حقوقی و آزادی‌های سیاسی اجتماعی	مورد تاکید همه گفتمان‌ها
۱۸	تقدم خیر یا حق	لیبرالیستی + نئولیبرالیستی + راولزی + اسلامی (حق)

آنچه که در تحلیل و ارزیابی مصاحبه‌ها به‌عنوان گفتمان غالب به دست آمده، گفتمان راولزی می‌باشد. اینکه گفتمان اسلام نیز در کنار گفتمان راولزی از منظر اساتید انتخاب شده است، به نظر می‌رسد به دلیل توجه به گفتمان اسلام برای رسیدن به نظریه‌ای جامع درباره عدالت اجتماعی بوده است؛ به این خاطر که، همه اساتید به اینکه الگوی جامع درباره عدالت اجتماعی باید متناسب با بستر فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه‌مان شکل گیرد، توافق نظر داشتند.

۷- در سوال آخر از اساتید پرسیده شد که، چرا بعد از گذشت حدود ۳۷ سال از انقلاب اسلامی، هنوز یک رویکرد جامع و مناسب درباره مساله عدالت اجتماعی اتخاذ نشده است؟ درباره چرایی این مساله نظرات مختلفی مطرح شد. پاسخ‌ها در سه دسته علل «خارجی»، «داخلی» و «خود مفهوم» طبقه‌بندی شدند. در عوامل خارجی بر نقش موثر جنگ و تحریم‌ها و در زمینه خود مفهوم؛ انتزاعی بودن مفهوم عدالت اجتماعی به‌عنوان موانع دستیابی بیان شدند. اما در بُعد داخلی، بر نقش عوامل اقتصادی مانند اقتصاد سیاست‌زده، عوامل سیاسی از جمله نفوذ دشمن، عوامل تاریخی - فرهنگی مانند عدم تسامح، عوامل روانی مانند عدم خودباوری و در مورد عوامل علمی کشاکش میان مبانی غربی و اسلامی را موثر دانستند. موانع دستیابی به رویکردی جامع درباره عدالت اجتماعی به صورت نمودار در ادامه ارائه گردیده است.

پروژه گام‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار شماره ۱: موانع دستیابی به رویکردی جامع درباره عدالت اجتماعی



نتیجه‌گیری

عدالت، مفهومی است که بشر از آغاز تمدن آن را می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است. عدالت اجتماعی مصداق ظهور آرمان بسیار قدیمی عدالت توزیعی است. از رعایت تناسب بین حق فردی و منافع عمومی است که عدالت اجتماعی به معنای واقعی خود تأمین و محقق می‌شود. در این نوشتار، ۶ گفتمان عمده درباره عدالت اجتماعی؛ یعنی گفتمان‌های لیبرالیستی، نئولیبرالیستی، سوسیالیستی، راولزی، جامعه‌گرایان و اسلامی مطرح شدند. هدف از این پژوهش، این بود که نگاه اساتید به کدام یک از این گفتمان‌ها نزدیک‌تر است و گفتمان غالب درباره مساله عدالت اجتماعی در نزد اساتید جامعه‌شناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران چگونه می‌باشد. علاوه بر این، یافتن موانع عدالت اجتماعی در جامعه نیز جز اهداف و از دستاوردهای این پژوهش بود.

ممکن بود پاسخ‌گویان در برخی پاسخ‌ها مستقیماً به اسلام اشاره نکرده باشند و حتی برخی از آن‌ها با آوردن گفتمان اسلام در کنار سایر گفتمان‌ها مخالف باشند، اما در مجموع معتقد بودند که مقولات مربوط به عدالت اجتماعی می‌بایست در بستر اجتماعی و فرهنگی غالب در هر جامعه‌ای، صورت تحقق پیدا کند. دلیل اینکه گفتمان عدالت اسلام در کنار گفتمان عدالت راولزی آمده، بیشتر به دلیل شباهت‌های این دو گفتمان بوده است که در مبانی نظری تحقیق و در پرسش‌ها نیز انعکاس یافته است. اگرچه این دو گفتمان در مبانی و محتوای مقولات مربوط به عدالت اجتماعی با هم تضادهایی نیز دارند. به‌طور مثال، راولزی یک لیبرال است و آزادی در نگاه لیبرالیست‌ها معنایی متفاوت با آزادی در اسلام دارد.

در مورد نحوه توزیع خیرات اجتماعی، تلقی از فاصله طبقاتی، تقدم آزادی یا عدالت، محدوده دخالت دولت، نوع نگاه به طبقات پایین و محروم جامعه، مالکیت، تقسیم درآمدهای دولتی، میزان ثروت‌اندوزی و هستی‌شناختی؛ گفتمان‌های راولزی و اسلامی؛ در مورد اختلاف درآمد و چگونگی اخذ مالیات؛ گفتمان‌های سوسیالیستی، جامعه‌گرایی و اسلامی؛ در زمینه رقابت اقتصادی؛ گفتمان‌های نئولیبرالیست و اسلام؛ درباره برابری حقوقی و آزادی‌های سیاسی - اجتماعی همه گفتمان‌ها و درباره تقدم با خیر یا حق گفتمان‌های لیبرالیست، نئولیبرالیست، راولزی و اسلامی؛ و هم‌چنین در زمینه فلسفه اخلاقی

گفتمان سوسیالیست، راولزی و اسلامی انتخاب‌های اساتید بود. می‌توان نتایج این پژوهش را با نگاهی دیگر نیز مورد بررسی قرار داد. به این صورت که:

۱ - نظرات اساتید در مورد شاخص‌های عینی و اجتماعی عدالت بیشتر بر چه گفتمان‌هایی متمرکز شده است؟

۲ - نظرات اساتید در مورد شاخص‌های فلسفی و اخلاقی عدالت بیشتر بر چه گفتمان‌هایی متمرکز شده است؟

در مورد شاخص‌های عینی و اجتماعی و در زمینه رقابت اقتصادی، گفتمان نئولیبرالیست و اسلامی توسط اساتید انتخاب شد ولی بیشتر بر آزادی‌های کارآفرینانه نئولیبرالیست تاکید داشتند. در مورد اختلاف در آمد و چگونگی اخذ مالیات نیز گفتمان‌های سوسیالیست، جامعه‌گرایی و اسلامی مورد توجه همزمان بودند. در زمینه برابری حقوقی و آزادی‌های سیاسی اجتماعی نیز همه گفتمان‌ها مورد توجه بود؛ البته لازم به ذکر است که گفتمان نئولیبرالیست چون تاکید بیشتری بر اقتصاد دارد، کمتر مورد توجه قرار گرفت. در مورد تقدم آزادی یا عدالت نیز همان‌طور که گفته شد، نگاه همزمان به این دو، ذیل گفتمان‌های راولزی و اسلامی مطرح شد. اما همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد، آزادی در اسلام با آزادی در نگاه راولز به‌عنوان یک لیبرالیست بسیار متفاوت است. تلقی از فاصله طبقاتی، محدوده دخالت دولت، نوع نگاه به طبقات پایین و محروم جامعه، مالکیت، تقسیم درآمدهای دولتی و میزان ثروت‌اندوزی ترکیبی از گفتمان‌های راولزی و اسلامی را شامل می‌شدند.

دسته‌بندی دوم با شاخص‌های فلسفی و اخلاقی یعنی تقدم حق، وظیفه‌گرایی، اصالت همزمان به فردگرایی و جمع‌گرایی و اهمیت دادن همزمان به نیاز و استحقاق در برخورداری از منابع و امکانات؛ ممکن است در پاسخ‌ها به انشقاق رسیده باشیم و یا ترکیبی از گفتمان‌های راولزی و اسلامی را ببینیم اما نگاه راولزی مورد توجه اغلب اساتید بود. برای مثال، درباره فلسفه اخلاقی که سوسیالیست، راولز و اسلام به وظیفه‌گرایی اشاره دارند، اغلب اساتید وظیفه‌گرایی کانتی مورد توجه‌شان بود و همان‌طور که گفته شد راولز نیز خود را کانتی معرفی می‌کند. هم‌چنین درباره محوریت نظریه با نیاز یا استحقاق نیز بر همین تاکید داشتند.

آنچه که در تحلیل و ارزیابی مصاحبه‌ها به عنوان گفت‌مان غالب به دست آمده، گفت‌مان راولزی می‌باشد. اینکه گفت‌مان اسلام نیز در کنار گفت‌مان راولزی از منظر اساتید انتخاب شده است، به نظر می‌رسد به دلیل توجه به گفت‌مان اسلام برای رسیدن به نظریه‌ای جامع درباره عدالت اجتماعی بوده است. به این دلیل که همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد همه اساتید به اینکه الگوی جامع درباره عدالت اجتماعی باید متناسب با بستر فرهنگی، اجتماعی و دینی جامعه‌مان شکل گیرد، توافق نظر داشتند. هر جامعه، نیازمند تنظیم ساختارهای اجتماعی مبتنی بر جهان‌بینی خود می‌باشد. به‌طور کلی، برای اجرای عدالت نیازمند مدل و الگو هستیم. می‌توان درباره عدالت و یا مسائل دیگر ساعت‌ها بحث و گفت‌وگو کرد و یا چندین مقاله و کتاب نوشت، اما وقتی پای اجرا به میان می‌آید، جای خالی یک مدل و الگو خودش را نشان می‌دهد. سرگردانی میان مبانی غربی و اسلامی، منجر به ایجاد تعارض میان مبانی نظری و الگوها می‌شود. اهدافی مشخص شده داریم اما مدل‌ها، ما را به جای دیگری می‌رسانند. به زعم اساتید جامعه‌شناسی هنوز نتوانسته‌ایم در این حوزه، مدلی ارائه دهیم.

پیشنهادات

- عدالت اجتماعی مفهومی چندبعدی و انتزاعی است. برای رسیدن به نظریه‌ای جامع در این زمینه، ضروری است صاحب‌نظران و اساتید جامعه‌شناسی تعاملات نظری بیشتری داشته باشند.

- ایجاد و برقراری عدالت اجتماعی از ضروری‌ترین اهداف هر نظام است. لذا لازم است به بعد تالیفات و تحقیقات در این زمینه توجه شده و به توسعه بیشتر نهادهای علمی و آکادمیک پرداخته شود و بودجه‌های تحقیقاتی هزینه بخش تحقیقات در این حوزه نیز بشود.

- برای شناخت عوامل عدم دستیابی به رویکردی جامع درباره عدالت اجتماعی، پژوهش‌های تجربی و میدانی وسیع‌تری باید صورت گیرد. موفق‌بودن هر نظریه در نظام سیاسی، همراهی مردمی و بدنه اجتماعی را می‌طلبد. لذا پژوهش‌های بیشتر، ما را در این امر یاری می‌رساند.

- رودرویی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران به طور خاص با تفکر و تمدن غربی می‌باشد. اینکه چرا بعد از گذشت حدود ۳۷ سال از انقلاب اسلامی به رویکردی جامع در زمینه عدالت اجتماعی دست نیافته‌ایم، به این معناست که هنوز نتوانسته‌ایم الگویی متناسب با فرهنگ و تمدن این مرز و بوم را در برابر فرهنگ و تمدن غربی به طور کامل عرضه کنیم. نداشتن الگو در هر زمینه‌ای - مخصوصاً عدالت اجتماعی - عرصه را برای ورود هر نوع الگوی دیگر، مخصوصاً الگوهای غربی فراهم می‌آورد؛ «آن چیزی که ما نیاز داریم، آن چیزی که ما دنبالش هستیم، عدالت حداکثری است؛ نه صرفاً در یک حد قابل قبول؛ ما دنبال عدالت حداکثری هستیم؛ می‌خواهیم ظلم در جامعه نباشد. تا این مرحله خیلی فاصله داریم. بنابراین برای این امر باید تلاش کرد». امید است تا با خودباوری و در نظر گرفتن همه نیروهای متخصص فکری، علمی و... شاهد شکل‌گیری نظریه‌ای جامع و ناب در همه عرصه‌ها، به ویژه عدالت اجتماعی باشیم.



کتابنامه

✽ قرآن کریم.

۱. بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۸۷)، عدالت اجتماعی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۲. جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۸۵)، درآمدی بر روابط بین‌الملل، ترجمه: مهدی ذاکریان و دیگران، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۳. حسن زمانی و زهرا سیده (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه نوع دین‌داری با نگرش به عدالت اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۲۰.
۴. خان‌افضلی، جمعه (۱۳۸۶)، «عدالت اجتماعی: دیدگاه‌ها و چالش‌ها»، مجله معرفت، ش ۱۱۵.
۵. ذکایی، محمدمسعود (۱۳۸۷)، «روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح حال‌نگارانه»، پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، ویژه‌نامه پژوهش‌های علوم اجتماعی.
۶. راولز، جان (۱۳۸۷)، نظریه عدالت، ترجمه: سیدمحمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۹)، کندوکاوها و پنداشته‌ها، مقدمه‌ای بر روش‌های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۹. فلیک، اووه (۱۳۹۰)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۱۰. کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۳)، طرح پژوهش: رویکردهای کیفی، کمی، ترکیبی، ترجمه: علی‌رضا کیامنش و مریم دانای طوسی، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.
۱۱. گولد، جولیس و ویلیام کولب (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: محمدجواد زاهدی، تهران: انتشارات مازیار.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: حکمت.

۱۳. _____ (۱۳۹۱)، عدالت، طرح مطالعاتی بینش مطهر، تهران: دبیرخانه طرح مطالعاتی.

۱۴. میرسندهی، سیدمحمد (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی دین و انواع دینداری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

۱۵. واعظی، احمد (۱۳۸۳)، «عدالت اجتماعی و مسائل آن»، فصلنامه قبسات، ش ۳۳.

۱۶. والتزر، مایکل (۱۳۸۹)، حوزه‌های عدالت (در دفاع از کثرت‌گرایی و برابری)، ترجمه: صالح نجفی، تهران: انتشارات ثالث.

۱۷. هاروی، دیوید (۱۳۸۶)، تاریخ مختصر نئولیبرالیسم، ترجمه: محمود عبدالله‌زاده، تهران: انتشارات اختران.

18. Brian Barry & Mattravers (1989), "Justice" in Routledge Encyclopedia of Philosophy (REP), v. 5. ed. Edward, Craig, London etc, Routledge.

19. Graham, Gordon (1988), *Contemporary Social Philosophy*, Oxford: Blackwell.

20. Torill, Moen (2009), *Reflection on the Narrative Research Approach*, in: Life Story Research, vol ۱, Edited By: Barbara Herrison, SAGE Publication, First Printed.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی